

ارائه مدل توانمندسازی زنان با رویکرد توسعه سیاسی پایدار در ایران

زهرا جلالی^۱، اکبر اعتباریان خوراسگانی^{۲*}، بدری شاه‌طالبی^۳، رضا ابراهیم زاده دستجردی^۴

تاریخ دریافت: ۱۰ فروردین ماه ۱۴۰۳ تاریخ پذیرش: ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳

چکیده

این تحقیق با هدف ارائه مدل توانمندسازی زنان با رویکرد توسعه سیاسی پایدار در ایران انجام شد. پژوهش از منظر پارادایمی ترکیبی و شامل بخش‌های کیفی و کمی است. مشارکت کنندگان از بین خبرگان موضوعی و علمی، در رشته‌های جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، مدیریت و مطالعات زنان بودند. در مرحله کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۹ نفر از خبرگان، جمع‌آوری و به روش تحلیل مضمون تجزیه و تحلیل شد، که منجر به استخراج ۱۴۴ مضمون پایه، ۳۵ مضمون سازمان‌دهنده و ۱۳ مضمون فراگیر گردید. برای روایی داده‌های کیفی از روش گوبا و لینکلن و برای سنجش پایایی کدگذاری‌ها از ضریب هولستی استفاده شد. در بخش کمی، نمونه‌گیری از بین ۲۰۰ نفر جامعه آماری با استفاده از فرمول کوکران انجام شد و ۱۲۲ پرسشنامه از ۱۴۴ پرسشنامه توزیع شده برگشت داده شد. پایایی پرسشنامه‌ها با آلفای کرونباخ تایید شد. این پژوهش ۱۳ متغیر اصلی برای توانمندسازی زنان شامل توانمندسازی از طریق اصلاحات: فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، کسب‌وکار، آموزش، اقتصادی، قوانین و مقررات، روانشناختی زنان، آموزه‌های دینی، تعادل بین نقش‌های مادری و نقش‌های اجتماعی، ظهور جامعه‌ای متوازن، تقویت عزت نفس اجتماعی زنان، توانمندسازی جسمی و روحی زنان، را بررسی کرده است. این روش‌ها به افزایش نقش و مشارکت زنان در جامعه کمک می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که توانمندسازی زنان به توسعه پایدار، افزایش ثبات و دموکراسی کمک می‌کند و نیازمند رویکردی همه‌جانبه و استراتژیک از طریق این روش‌ها است.

کلیدواژه‌ها: توانمندسازی، توانمندسازی زنان، توسعه سیاسی، توسعه پایدار.

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت (تطبیق و توسعه)، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اصفهان، اصفهان، ایران.

^۲ (نویسنده مسئول) * استاد گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اصفهان، اصفهان، ایران.

^۳ دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اصفهان، اصفهان، ایران

^۴ استادیار گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اصفهان، اصفهان، ایران

۱- مقدمه

امروزه، دستیابی به شاخص‌های توسعه پایدار یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های کشورها، از جمله ایران، است. با وجود اینکه این هدف از پایان جنگ تحمیلی در برنامه‌های دولت‌های ما قرار گرفته، کشور هنوز موفق نشده است تا به این شاخص‌ها دست یابد و با اهداف توسعه فاصله زیادی دارد. یکی از مسائل مهم در این زمینه، توسعه انسانی و توانمندسازی زنان است. با وجود حضور فعال زنان در حوزه‌های مختلف در ایران، آنها هنوز با محدودیت‌ها و چالش‌هایی در مشارکت سیاسی روبرو هستند. این مشکلات ناشی از عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هستند که باعث می‌شود زنان نتوانند به طور کامل از فرصت‌های موجود در فضای سیاسی بهره‌مند شوند و گاه مشارکت آنها بیشتر جنبه نمادین داشته باشد. دستیابی به توسعه سیاسی پایدار نیازمند مشارکت فعال، آگاهانه و پویای همه شهروندان در تمام جنبه‌های کشور است. این تحقیق بررسی مدل توانمندسازی زنان در راستای توسعه سیاسی پایدار در ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. تحقیقات انجام گرفته توسط دفتر توسعه انسانی سازمان ملل متحد در کشورهای خاورمیانه، نشان می‌دهد، حضور زنان در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی و مشارکت سیاسی آنان، نسبت به مردان پایین بوده که از جمله یکی از عمده عوامل آن، نظام ارزش‌ها در کشورهای خاورمیانه و مهم‌تر از همه طرز نگرش جامعه و خود زنان نسبت به حضور و فعالیت در عرصه‌های مختلف، میزان حضورشان را تحت تاثیر قرار داده است (گلابی و حاجیلو ۲۰۱۲، ۱۷۵).

مشارکت سیاسی زنان، یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای امروز است و در ارتباط با مسأله توانمندسازی زنان، از نظر پژوهش‌گران و سازمان ملل و برخی از دولت‌ها، از جمله ضرورت‌های تحقق این هدف است. جستجوی محقق در بین تحقیقات داخلی و خارجی نشان داد که دو تحقیق داخلی و یک تحقیق خارجی، تا حدودی به تحقیق حاضر نزدیک هستند. تحقیقات داخلی مربوط به نصیری و همکاران (۱۳۹۸) با موضوع « رویکرد جمهوری اسلامی ایران به توانمندسازی زنان در توسعه پایدار، تحت تاثیر سازمان‌های بین‌المللی بود (نصیری و همکاران ۱۳۹۸، ۷۳). شمشیری و کشاورزی (۱۳۹۹) «الگوی کاربردی توسعه توانمندسازی زنان جامعه ایرانی» را بررسی کردند (شمشیری و کشاورزی، ۴۶۸). تحقیق خارجی مربوط به آیمو (۲۰۲۱) تحت عنوان «آموزش توانمندسازی زنان و توسعه ملی در نیجریه» بود. (آیمو ۲۰۲۱، ۱۶). در تحقیق نصیری و همکاران (۱۳۹۸) هدف، تبیین رویکرد جمهوری اسلامی به توانمندسازی زنان به منظور توسعه پایدار است. در حالیکه در تحقیق حاضر هدف طراحی مدل توانمندسازی زنان بر اساس واقعیت‌های جامعه امروز ایران و با رویکرد توسعه سیاسی پایدار است. در تحقیق شمشیری و کشاورزی (۱۳۹۹) در تحقیق آیمو (۲۰۲۱) علاوه بر اینکه جامعه مورد مطالعه نیجریه است و بدیهی است که بین نیجریه و ایران تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی زیادی وجود دارد، از طرفی هدف آن نیز، آموزش توانمندسازی به منظور توسعه ملی است که هم بواسطه موضوع و هم بواسطه رویکرد، با تحقیق حاضر متفاوت می‌باشد. در همین راستا خسروی و همکاران

(۱۳۹۱) اظهار می‌دارند که مشارکت سیاسی و حضور فعال زنان در نظام برنامه‌ریزی و تحقیق و توسعه ملی و نیز رویکرد مثبت و عادلانه برنامه‌های توسعه ملی نسبت به حل مسائل و مشکلات زنان و توانمندسازی آنان برای ایفاء نقش‌های همه‌جانبه توسعه‌ای، حق انسانی و خدادادی و نیاز برای دستیابی به توسعه پایدار و متوازن، می‌باشد. واقعیت امر این است که جامعه ایران فاقد یک نگاه و الگوی بنیادین، جامع‌نگر، اصول‌گرا، روشمند، روزآمد و کارآمد، نسبت به ارتقاء حقوق و منزلت سیاسی زن در جامعه امروز هست. تدوین چنین نگاه و الگویی، به لحاظ ویژگی‌های یاد شده و در راستای دکترین تحقیق و توسعه پایدار و جامع‌نگر نظام جمهوری اسلامی به تقویت توانمندسازی زنان می‌انجامد (خسروی و همکاران، ۲۰۱۳، ۱۰۲). هدف اصلی تحقیق تدوین مدل توانمندسازی زنان با رویکرد توسعه سیاسی پایدار در ایران می‌باشد. بررسی مسأله تحقیق نشان داد، توانمند سازی زنان در عرصه سیاسی یک مسأله جهانی است که مورد توجه جوامع جهانی و همچنین پژوهشگران بوده و هست. ایران یکی از کشورهایی است که در مسائل مربوط به زنان از بسیاری از کشورهای خاورمیانه جلوتر است، ولی همانطور که بیان شد. برای ایجاد شرایط مطلوب سیاسی و اجتماعی و ارتقاء حقوق و جایگاه سیاسی زنان، نیاز به تدوین الگوهای بنیادین، جامع‌نگر و اصول‌گرا می‌باشد. بر این اساس مسأله اصلی تحقیق حاضر، ارائه مدل توانمند سازی زنان با رویکرد توسعه سیاسی پایدار است. بر اساس بررسی به عمل آمده در مطالب پیش گفت، در موضوع تحقیق حاضر، خلاء تحقیق وجود دارد و این تحقیق بواسطه موضوع (توانمند سازی زنان در عرصه سیاسی) و جهت‌گیری (توسعه سیاسی پایدار) بدیع و نو می‌باشد. بنابر این از نظر بدیع بودن و خلاء تحقیق در این موضوع، مهم و ضروری به نظر می‌رسد. از آنجا که تحقیق حاضر به مسأله عمومی توانمند سازی زنان در عرصه سیاسی می‌پردازد، نتایج این تحقیق می‌تواند مورد استفاده دولت، به منظور سیاستگذاری در جهت بهبود شرایط زنان در عرصه سیاسی، همچنین متولیان آموزش در تمامی سطوح، گروه‌های اجتماعی اصلاح‌گرا، متولیان فرهنگ، مدیران و صاحبان کسب و کار و خانواده‌ها قرار گیرد و از این راه به ضرورت و الزامی که برای دولت‌ها در دستیابی به یک جامعه متوازن، وجود دارد، کمک می‌کند. پس اهمیت و ضرورت تحقیق حاضر، از سه جهت مورد توصیف و تبیین قرار گرفته است. جهت اول بواسطه توجهی که در ادبیات بر موضوع توانمند سازی زنان در عرصه سیاسی شده است، دوم به لحاظ خلاء تحقیق در موضوع تحقیق حاضر، و سوم از جهت منافع تحقیق برای جامعه مورد مطالعه (ایران) توضیح داده شده است.

۲- پیشینه پژوهش

تاکید جوامع جهانی از جمله سازمان ملل بر اهمیت توانمند سازی زنان در عرصه سیاسی است (نارایان و احمد ۲۰۱۶، ۱۷). همچنین نتایج پژوهش‌هایی که نشان می‌دهند این موضوع در تغییر و تحول و رشد جوامع مؤثر است. برای مثال تحقیق کویسیمبیگ و همکاران (۲۰۲۱) که در ۹ کشور آفریقایی انجام گرفت و نشان داد که بین توانمند سازی زنان و انقلاب‌های سیاسی ایجاد شده در ۶ کشور آفریقایی رابطه معناداری وجود دارد (کویسیمبیگ و همکاران ۲۰۲۱، ۱۴).

آزموده ویوسفی (۱۳۹۸) نیز تاثیر توانمند سازی سیاسی زنان بر حکمرانی خوب را بدست آوردند. آزموده ویوسفی (۳۴،۱۳۹۸). همچنین خیز برداشتن کشورهای در حال توسعه و منطقه خاورمیانه در جهت افزایش مشارکت سیاسی زنان، بطوریکه بنا به اظهار آرامش و همکاران (۱۳۹۹) عربستان که روزگاری سمبل تبعیض جنسیتی بوده است، به تازگی با ارائه برنامه جامع ۲۰۲۵ به سازمان ملل موفق شده است، جایگاه ۳۶ جهان را بدست آورد و امارات با کاهش شدید تبعیض جنسیتی و انتخاب ۹ وزیر زن، جایگاه اول خاورمیانه را بدست آورده است. احزاب ترکیه نیز سهمیه‌بندی کردند تا ۳۰٪ مناصب، باید در اختیار زنان باشد (آرامش و همکاران، ۵۱،۱۳۹۹).

باقری و همکاران (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان «واکوی کیفی توانمندسازی زنان در کنترل آسیب‌های اجتماعی» انجام دادند. یافته‌های تحقیق نشان داد «توانمندسازی پایدار زنان» تحت تاثیر شرایط علی (شامل همه ابعاد توانمندی)، شرایط زمینه‌ای (با متغیرهای زمینه‌ای فردی، متغیرهای زمینه‌ای خانواده‌ی پدری، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و معلولیت جسمی) و شرایط مداخله‌گر (با زیرمجموعه‌های ویژگی‌های روان‌شناختی فرد، حمایت نهاد خانواده، تعامل با الگوی توانمند، ساختارها و فعل‌وانفعالات آنها، سیاست‌گذاری چندبعدی، بلندمدت، پژوهش‌محور و عدالت‌گرایانه در حوزه‌ی زنان و وحدت سازمان‌های مسئول) می‌باشد و زنان در زمینه آسیب‌های اجتماعی راهبرد کنترل وضعیت را اتخاذ کرده‌اند (باقری و همکاران ۲،۱۴۰۱).

زمانی مقدم و افشانی (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان «توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در ایران: مروری نظام‌مند» انجام دادند. نتایج نشان داد که لازمه پژوهش در باب توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، توجه به ابعاد مختلف فرآیند توانمندسازی بود. می‌توان مدلی مفهومی را پیشنهاد کرد که در آن فرآیند توانمندسازی زنان سرپرست خانوار به‌گونه‌ای چرخه‌ای و چندبعدی و میان‌رشته‌ای بررسی و مطالعه شود (زمانی مقدم، افشانی، ۴۷،۱۴۰۰).

کشاورزی و شمشیری (۱۳۹۹) تحقیقی تحت عنوان «الگوی کاربردی توسعه توانمندسازی زنان جامعه ایرانی: یک پژوهش ترکیبی» انجام دادند. براساس یافته‌های بخش کیفی پژوهش، الگوی توانمندسازی زنان شایسته در جامعه ایران در قالب پنج مضمون سازمان‌دهنده دانش شخصی، دانش محیطی، نگرش شخصی، نگرش محیطی، مهارت شخصی و مهارت محیطی و ۵۷ مضمون پایه کاوش شد (کشاورزی و شمشیری ۱۳۹۹، ۴۶۸).

نصیری و همکاران (۱۳۹۸) تحقیقی تحت عنوان «رویکرد جمهوری اسلامی ایران به توانمندسازی زنان در حوزه‌های توسعه پایدار، تحت تاثیر سازمان‌های بین‌المللی» انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد که ج. ا. ایران در حوزه‌های مختلف از جمله توانمندسازی اقتصادی، سیاسی، آموزشی و جنسی-باروری هم در عرصه قانونی و هم در عمل گام‌های مهم و اساسی برداشته است که نمودهای آن را می‌توان در برابری نسبی جنسیتی در دستیابی به مشاغل، مشارکت سیاسی و حقوق آنها در رابطه با همسر مشاهده کرد (نصیری و همکاران ۱۳۹۸، ۷۳).

آیموا (۲۰۲۱) تحقیقی تحت عنوان «آموزش، توانمندسازی زنان و توسعه ملی در نیجریه» انجام داد. نتایج تحقیق نشان داد که زنان نیجریه هر روز با برخی چالش‌های مردمی مواجهند که مانع مشارکت آنها در ساختن ملت‌ها شده است. چالش‌هایی که روزانه زنان با آن روبرو هستند عبارتند از: نظام اعتقادی فرهنگی و سنتی، مذهب، بی سوادی و سطح پایین زندگی (آیموا ۲۰۲۱، ۱۶).

بادن (۲۰۱۸) تحقیقی تحت عنوان «توانمندسازی زنان در آفریقای شرقی: توسعه معیار قابل قیاس با کشور» انجام داد. نتایج، یک معیار استاندارد و ثابت توانمندسازی زنان را ارائه داد که می‌توانست، برای نظارت بر عملکرد قدرتمند توانمندسازی زنان در آفریقای شرقی و احتمالاً فراتر از آن اعمال شود (بادن ۲۰۱۸). از تفاوت‌های مهم این پژوهش با پژوهش‌های قبلی ارائه مدل جامع در راستای توانمندسازی زنان با رویکرد توسعه سیاسی پایدار در ایران است؛ زیرا این پژوهش مهمترین عوامل موثر بر توانمندسازی زنان در داخل و خارج کشور را جمع‌آوری کرده و با بومی‌سازی این مولفه‌ها، از آنها در راستای توسعه سیاسی پایدار در ایران استفاده خواهد کرد. سوال اصلی تحقیق ارائه مدل توانمندسازی زنان با رویکرد توسعه سیاسی پایدار در ایران چگونه است؟

۳- روش تحقیق

لایه فلسفی پژوهش، جهان‌بینی پژوهشگر را نشان می‌دهد. این پژوهش دارای دو پارادایم تفسیری و اثبات‌گرایی است. جهت‌گیری این پژوهش توسعه‌ای، کاربردی است، زیرا نتایج آن می‌تواند تأثیر گسترده‌ای بر سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی داشته و به توسعه جوامع و بهبود کیفیت زندگی افراد کمک نماید. این پژوهش از رویکرد ترکیبی (آمیخته) بهره‌مندی برد که در بخش کیفی استقرایی و در بخش کمی قیاسی می‌باشد. روش گردآوری داده‌ها میدانی است و راهبرد پژوهشی بر اساس تحلیل مضمون صورت گرفته است. تحلیل مضمون به عنوان یک روش کیفی، بر داده‌های کیفی تمرکز دارد و با هدف تولید نظریه و مدل‌های مفهومی به تحلیل ساختارمند و نظام‌مند داده‌ها می‌پردازد. هدف اصلی این مطالعه شامل توصیف، تبیین، فهم و اکتشاف است. مصاحبه‌شوندگان از بین خبرگان موضوعی (با دانش و تجربه)، اساتید دانشگاه و فعالان حوزه زنان با روش هدفمند معیارمحور انتخاب شدند. نوزده نفر به عنوان مشارکت‌کننده در تحقیق حاضر انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها در بخش کیفی به صورت میدانی و با مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شده است. هر مصاحبه، بسته به شرایط مصاحبه‌شونده، معمولاً بین ۴۰ تا ۱۲۰ دقیقه طول کشید. برای اطمینان از پایایی کدها، از روش دو کدگذار مستقل و محاسبات تطابق با استفاده از ضریب هولستی استفاده شده است. به این منظور، دو مصاحبه به صورت تصادفی انتخاب شده و به فرد دیگر جهت کدگذاری ارائه شده است و سپس با استفاده از فرمول هولستی، درصد تطابق بین کدهای مستقل و پژوهشگر محاسبه شده است. درصد تطابق بین دو کدگذار برابر با ۷۲٪ بود که نشان داد پایایی کدها به طور قابل قبول است. در بخش کمی تحقیق روش گردآوری اطلاعات میدانی و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق‌ساخته بود. بخش کمی این تحقیق از نوع توصیفی همبستگی و تعداد

گویه‌های پرسشنامه محقق ساخته ۱۴۴ گویه از مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده در تحلیل مضمون می‌باشند. جامعه آماری، کارکنان زن دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان و حجم جامعه، تعداد ۲۰۰ نفر در سال ۱۴۰۲ و حجم نمونه، با استفاده از فرمول کوکران ۱۳۱ نفر تعیین شد. نمونه‌گیری به روش در دسترس انجام شد. روایی محتوایی پرسشنامه، بر اساس مضامین استخراج شده در بخش کیفی و روایی صوری پرسشنامه، تایید پرسشنامه توسط سه نفر از خبرگان موضوعی می‌باشد. روایی سازه‌ها، بر اساس مؤلفه‌های استخراج شده با تحلیل عاملی تاییدی بررسی و تایید شد. پایایی ابعاد و پایایی کل پرسشنامه، از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ که موارد بزرگتر از ۰٫۷ بدست آمد که پایایی قابل قبول پرسشنامه را نشان می‌دهد. بنابراین، پرسشنامه دارای پایایی و روایی مناسبی بوده و داده‌های جمع‌آوری شده دقیق و قابل اعتماد هستند.

۴- یافته‌ها

پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل توانمندسازی زنان با رویکرد توسعه سیاسی پایدار در ایران انجام شده است. در این بخش به تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش پرداخته شد. در مطالعه جمعیت‌شناختی انجام شده، از ۱۲۰ خانم شرکت‌کننده، ویژگی‌های زیر مشخص شدند:

سن: با توجه به نتایج پرسش‌نامه ۱۲۰ نفر خانم شرکت‌کننده در این پژوهش، سن تعداد ۴ نفر (۳/۳ درصد) کمتر از ۳۰ سال، سن تعداد ۳۲ نفر (۲۶/۷ درصد) بین ۳۱ تا ۴۰ سال، سن تعداد ۵۵ نفر (۴۵/۸ درصد) بین ۴۱ تا ۵۰ سال و سن تعداد ۲۹ نفر (۲۴/۲ درصد) بیشتر از ۵۱ سال بوده است. نمودار ۴-۵، نیز، توزیع کارکنان زن دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان را بر حسب سن نشان می‌دهد.

سابقه خدمت: با توجه به نتایج، از ۱۲۰ خانم شرکت‌کننده در این پژوهش، ۵ نفر (۴/۲ درصد) دارای سابقه خدمت کمتر از ۱ سال، ۷ نفر (۵/۸ درصد) دارای سابقه خدمت بین ۱ تا ۵ سال، ۲۲ نفر (۱۸/۳ درصد) دارای سابقه خدمت بین ۶ تا ۱۰ سال و ۸۶ نفر (۷۱/۷ درصد) دارای سابقه خدمت بالای ۱۱ سال بوده‌اند.

تحصیلات: با توجه به نتایج از ۱۲۰ خانم شرکت‌کننده در این پژوهش، میزان تحصیلات ۷ نفر (۵/۷ درصد) کاردانی، میزان تحصیلات ۳۰ نفر (۲۵/۱ درصد) کارشناسی و میزان تحصیلات ۸۳ نفر (۶۹/۲ درصد) تحصیلات تکمیلی بوده است.

نتایج توصیفی مرتبط با متغیرهای پژوهش توانمندسازی زنان به رویکرد توسعه سیاسی پایدار به شرح زیر است:

میانگین نمره داده شده به توانمندسازی زنان در رویکرد توسعه سیاسی پایدار ایران برابر ۴/۰۲ است و انحراف استاندارد آن ۰/۸۷ است. کمترین نمره داده شده به این متغیر ۱/۰۰ و بیشترین آن ۵/۰۰ است.

بر اساس جدول سه، از دیدگاه نمونه مورد مطالعه، توانمندسازی بر اساس آموزه‌های دینی با میانگین ۳/۷۲ کمترین اهمیت و توانمندسازی روحی و جسمی با میانگین ۴/۱۵ بیشترین اهمیت را دارد.

ابعاد پرسشنامه مستخرج از مدل مفهومی در جدول یک نشان داده شده است.

جدول (۱) ابعاد پرسشنامه مستخرج از مدل مفهومی

تعداد گویه‌ها	مضامین سازمان دهنده	فراگیر
۱-۱۰	اصلاح نگرش‌ها و باورهای جنسیتی	توانمند سازی از طریق
۱۱-۱۲	خشونت زدایی علیه زنان از فرهنگ	اصلاحات فرهنگی
۱۳-۱۴	اصلاحات اجتماعی با هدف برابری جنسیتی	
۱۵-۱۸	جنسیت زدایی از فرایندهای جامعه پذیری	توانمند سازی از طریق
۱۹-۲۱	فراهم شدن بسترهای شکل‌گیری تشکل‌ها و نهادهای مدنی زنان	اصلاحات اجتماعی
۲۲-۲۴	اصلاحات سیاسی با هدف برابری	
۲۵-۲۷	واقعی‌سازی مشارکت اجتماعی سیاسی زنان	توانمند سازی از طریق
۲۸-۳۱	تقویت کنش‌گری سیاسی زنان	اصلاحات سیاسی
۳۲-۳۶	حکمرانی خوب	
۳۷-۴۰	شکستن تابوهای جنسیتی در اشتغال زنان	توانمند سازی از طریق
۴۱-۴۳	تغییر نگاه جنسیت محور به شایستگی	اصلاحات کسب و کار
۴۴-۵۳	شکستن سقف شیشه‌ای برای زنان	
۵۴-۵۷	اصلاح قوانین و مقررات با هدف قدرت دهی به زنان	توانمند سازی از طریق
۵۸-۶۱	تدوین قوانین حمایتگر	قوانین و مقررات
۶۲-۶۴	توانمند سازی مادر محور زنان	توازن بین نقشهای
۶۵-۶۷	پیوند دهی نقش مادرانه به نقش‌های اجتماعی	مادری و نقشهای اجتماعی
۶۸-۷۰	رها سازی زنان از وضعیت درماندگی آموخته شده	توانمند سازی
۷۱-۷۴	رها سازی زنان از دام خویشتن ستیزی یا خودزنی	روانشناختی زنان
۷۵-۷۸	توقف باز تولید ساختار مردسالاران	
۷۹-۸۲	ظهور جامعه متوازن و متعادل	
۸۳-۸۶	بهبود آرامش روانی جامعه	
۸۷-۸۸	تقویت انسجام اجتماعی زنان	ظهور جامعه متوازن
۸۹-۹۲	افزایش سرمایه اجتماعی	
۹۳-۹۵	-نقش آفرینی اجتماعی فراگیر زنان	
۹۶-۱۰۱	تقویت آموزش‌های مدرسه‌محور	توانمندسازی از طریق

آموزش	آگاهی بخشی نسبت به جایگاه اجتماعی زنان	۱۰۲-۱۰۵
	تقویت آموزش‌های خانواده محور	۱۰۶-۱۱۱
توانمندسازی اقتصادی	حمایت‌های اقتصادی (حمایت از کارآفرینی زنان)	۱۱۲-۱۱۵
	توان افزایش اقتصادی-مالی زنان کارا فرین	۱۱۶-۱۱۸
تقویت عزت نفس	صدا دهی رسانه ای به زنان	۱۱۹-۱۲۴
اجتماعی زنان	کمک به خود شکوفایی زنان	۱۲۵-۱۲۷
توانمندسازی جسمی و روحی زنان	توسعه و رفع موانع تربیت بدنی زنان	۱۲۸-۱۳۲
	افزایش زیر ساختهای بهداشتی و درمان	۱۳۳-۱۳۶
توانمندسازی مبتنی بر آموزه‌های دینی	تقویت فضای دینی مقوم به کنش گری زنان	۱۳۷-۱۴۱
	استفاده از ظرفیت‌های دین	۱۴۲-۱۴۴

جدول (۲) آماره‌های توصیفی توانمندسازی زنان از دیدگاه نمونه مورد مطالعه

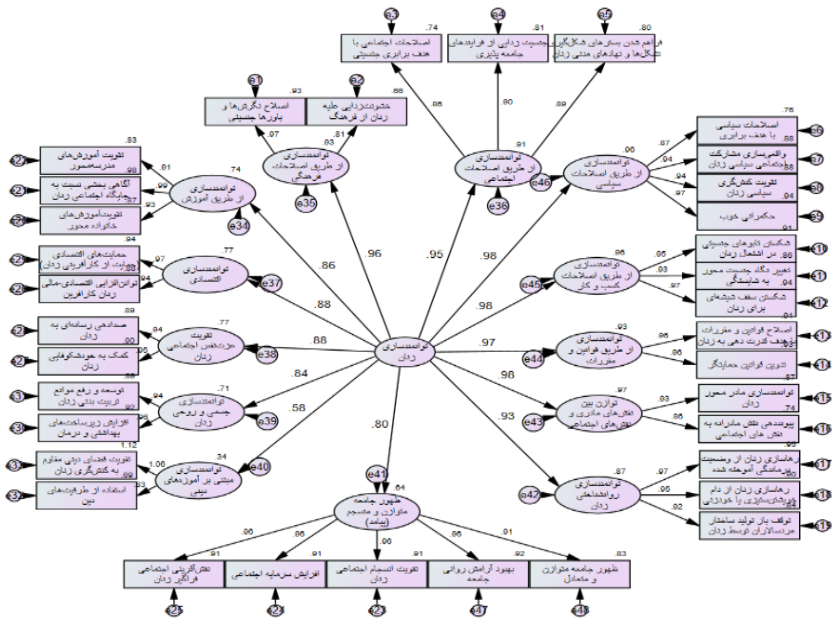
آماره متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین
۳- توانمندسازی از طریق اصلاحات فرهنگی	۴/۰۳	۰/۸۳	۱/۰۰	۵/۰۰
توانمندسازی از طریق اصلاحات اجتماعی	۴/۰۲	۰/۸۱	۱/۰۰	۵/۰۰
توانمندسازی از طریق اصلاحات سیاسی	۴/۰۷	۰/۸۸	۱/۰۰	۵/۰۰
توانمندسازی از طریق اصلاحات کسب و کار	۳/۹۸	۰/۹۹	۱/۰۰	۵/۰۰
توانمندسازی از طریق قوانین و مقررات	۳/۹۹	۱/۰۳	۱/۰۰	۵/۰۰
توازن بین نقش‌های مادری و نقش‌های اجتماعی	۴/۰۱	۰/۹۷	۱/۰۰	۵/۰۰
توانمندسازی روانشناختی زنان	۴/۱۰	۱/۰۱	۱/۰۰	۵/۰۰
ظهور جامعه متوازن و منسجم	۴/۰۷	۰/۹۷	۱/۰۰	۵/۰۰
توانمندسازی از طریق آموزش	۴/۰۷	۱/۰۱	۱/۰۰	۵/۰۰
توانمندسازی اقتصادی	۴/۰۸	۱/۰۸	۱/۰۰	۵/۰۰
تقویت عزت نفس اجتماعی زنان	۳/۹۶	۰/۹۹	۱/۰۰	۵/۰۰
توانمندسازی جسمی و روحی زنان	۴/۱۵	۱/۰۴	۱/۰۰	۵/۰۰
توانمندسازی مبتنی بر آموزه‌های دینی	۳/۷۲	۱/۱۳	۱/۰۰	۵/۰۰
توانمندسازی زنان	۴/۰۲	۰/۸۷	۱/۰۰	۵/۰۰

در این پژوهش، برای طراحی و تبیین الگوی توانمندسازی زنان با رویکرد توسعه سیاسی پایدار ایران از مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. داده‌های حاصل از پرسشنامه در مرحله کمی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS26 و AMOS26 در دو بخش توصیفی و استنباطی تحلیل شدند. در بخش توصیفی، ویژگی‌های جمعیت شناختی کارکنان زن دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان ارزیابی شد. آماره‌های توصیفی توانمندسازی زنان در

توسعه سیاسی پایدار و مولفه‌های آن از جمله میانگین، انحراف استاندارد، بیشترین و کمترین نمرات محاسبه شدند. در تحلیل استنباطی، با استفاده از مدل معادلات ساختاری و نرم‌افزار AMOS26، تحلیل عاملی تأییدی و آزمون معادلات ساختاری برای بررسی مدل پژوهش انجام شد تا به سوالات تحقیق پاسخ داده شود.

۴-۱- مدل ساختاری پژوهش

جهت طراحی و تبیین الگویی در رویکرد توسعه سیاسی پایدار ایران، مدل پژوهش ترسیم و روابط بین متغیرهای پنهان در نرم‌افزار AMOS26 مورد بررسی قرار گرفت. این مدل در شکل دو نشان داده شده است. در این مورد ابتدا از شاخص‌های برازش اطمینان حاصل کرده و سپس به بررسی روابط مفروض بین متغیرهای پنهان پرداخته شد. بر اساس نتایج حاصل، تمامی بارهای عاملی از مقدار ۰/۵۰ بزرگتر بوده و بنابراین ضرایب همبستگی عوامل استحصال شده قابل قبول می باشد.



RMSEA= 0.050.CMIN/DF = 1.30 ,P = 0.001 .CMIN =580.53

شکل (۱) مدل ساختاری پژوهش

با توجه به نتایج حاصل از جدول سه، مدل تحلیل عاملی برای طراحی مدل مورد نظر دارای برازش مناسبی است. از آنجا که شاخص‌های برازندگی مناسب هستند، می‌توان از این مدل به‌عنوان یک الگو در رویکرد توسعه سیاسی پایدار ایران استفاده نمود.

جدول (۳) شاخص‌های نیکویی برازش مدل ساختاری متغیرهای پژوهش

شاخص‌های برازندگی الگو	RMSEA	NFI	CFI	TLI	IFI	AGFI	GFI	P	NPAR	CMIN/DF	DF	CMIN
الگوی برازش شده	۰/۵۰	۰/۹۳	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۷۱	۰/۸۰	۰/۰۰۱	۱۸۴	۱/۳۰	۴۴۶	۵۸۰/۵۳
مقادیر مطلوب	<۰/۰۸	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۰۵	—	< ۳	—	= df

تحلیل پارامترهای مدل اندازه‌گیری در توانمندسازی زنان با رویکرد توسعه سیاسی پایدار در ایران نشان می‌دهد که تمامی مؤلفه‌های استخراج شده، با ضرایب مسیر استاندارد شده و استاندارد نشده بالا، به خوبی تأثیرگذار بر توانمندسازی زنان هستند. این مؤلفه‌ها می‌توانند به عنوان بارهای عاملی تأثیرگذار، متغیر توانمندسازی زنان را با رویکرد توسعه سیاسی پایدار ایران تبیین کنند و این تأثیرگذاری در سطح معنادار است.

۵- بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، ارائه مدل توانمندسازی زنان با رویکرد توسعه سیاسی پایدار در ایران است. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل مضمون، ۱۳ مضمون فراگیر، ۳۵ مضمون سازمان دهنده و ۱۴۴ مضمون پایه استخراج گردید. مضامین فراگیر شامل: توانمندسازی از طریق اصلاحات فرهنگی، توانمندسازی از طریق اصلاحات اجتماعی، توانمندسازی از طریق اصلاحات سیاسی، توانمندسازی از طریق اصلاحات کسب و کار، توانمندسازی از طریق قوانین و مقررات، تعادل بین نقش‌های مادری و نقش‌های اجتماعی، توانمندسازی روانشناختی زنان، ظهور جامعه‌ای متوازن و منسجم، توانمندسازی از طریق آموزش، توانمندسازی اقتصادی، تقویت عزت نفس اجتماعی زنان، توانمندسازی جسمی و روحی زنان، توانمندسازی مبتنی بر آموزه‌های دینی می‌باشند. برای ارائه مدل توانمندسازی زنان با رویکرد توسعه سیاسی پایدار در ایران از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شد. شاخص‌های برازش مدل نشان داد که مدل ساختاری طراحی شده از برازش مطلوبی در تمام شاخص‌ها برخوردار است، همچنین بررسی مقادیر استاندارد شده و مقادیر T متغیرهای پژوهش با اثر مستقیم و غیرمستقیم بر اساس مسیرهای مدل ساختاری، مولفه‌های تحقیق را مورد تأیید قرار داد.

توانمندسازی زنان از طریق آموزش شامل سه زیرمؤلفه است: افزایش آگاهی زنان نسبت به حقوق و جایگاه اجتماعی‌شان، تقویت آموزش‌های خانواده‌محور، و آموزش‌های مدرسه‌محور. برنامه‌های آموزشی باید از کودکی آغاز شده و به آموزش عالی گسترش یابد. افزایش آگاهی در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی برای تعیین هویت زنانه و نقش آنها در تصمیم‌گیری‌ها ضروری است. تحقیق لیاقتی و همکاران (۲۰۱۷) نشان داد که، آموزش و پرورش نقش اساسی در تغییر نگرش و رفتار انسانی،

توسعه اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی، ایجاد دانش و مهارت، فراهم کردن فرصت‌های شغلی و افزایش تولید در جامعه دارد. آموزش و پرورش باید به تحصیلات رسمی محدود نشود بلکه همه انواع آموزش، حتی شکل‌های سنتی یادگیری در منزل و جامعه نیز باید مورد توجه قرار گیرد. این تحقیق از این نظر با تحقیق حاضر همسو است. تحقیق حیدری (۱۳۹۷)، بر نقش آموزش و چن و همکاران (۲۰۱۸)، بر آموزش و توسعه مهارت‌ها و افزایش دانش حرفه‌ای و فنی زنان به منظور توانمندسازی زنان تاکید دارند.

توانمندسازی زنان مبتنی بر آموزه‌های دینی شامل دو زیرموضوع است: ایجاد فضای دینی برای مشارکت زنان در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی و افزایش اعتماد به نفس آنها، استفاده از ظرفیت‌های دینی برای توانمندسازی زنان و الهام‌بخشی از نقش‌آفرینی زنان در تاریخ دینی. آموزه‌های دینی با تاکید بر احترام به زنان و نقش‌هایشان، الگوهای مثبتی برای توانمندسازی زنان ایجاد می‌کنند. تحقیق گلستانی سروانی و حمزه‌ای (۱۳۹۶) به منظور خوشه‌بندی ابعاد توانمندسازی با روش میک مک، نشان داد توانمندی دینی بیشترین نفوذ را داشته و از این نظر با تحقیق حاضر همسو است.

توانمندسازی زنان از طریق اصلاحات فرهنگی شامل دو زیرموضوع است: اصلاح نگرش‌ها و باورهای جنسیتی با حذف باورهای نابرابر و ترویج ارزش‌های برابری، و خشونت‌زدایی علیه زنان از فرهنگ با حذف خشونت و تبعیض، آموزش رفتارهای غیرخشونت‌آمیز، و حمایت اجتماعی و قانونی. همکاری بین نهادهای فرهنگی، خانواده، مدارس و رسانه‌ها، و نقش دولت و سیاست‌گذاران در حل معضلات جامعه نقش اساسی در این فرآیند دارند. تحقیق ایموا (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که نقش فعال دولت در تغییر ساختارهای ممانعت‌کننده از توانمندسازی زنان می‌تواند بخشی از مدل توانمندسازی زنان در توسعه سیاسی پایدار باشد.

توانمندسازی زنان از طریق اصلاحات سیاسی شامل چهار زیرموضوع است: اصلاحات سیاسی با هدف برابری، واقعی‌سازی مشارکت اجتماعی-سیاسی زنان، تقویت کنش‌گری سیاسی زنان، و حکمرانی خوب. این اصلاحات شامل تصویب قوانین ضد تبعیض، افزایش مشارکت زنان در فرآیندهای سیاسی، تقویت کنش‌گری سیاسی زنان و حکمرانی شفاف و پاسخگو می‌شود. هدف این اقدامات افزایش مشارکت و تأثیرگذاری زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و توسعه پایدار است. تحقیق باقری و همکاران (۱۴۰۱) به ابعاد مختلف توانمندسازی زنان از جمله اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پرداخته است و با پژوهش حاضر در حوزه توانمندسازی زنان، به ویژه در زمینه سیاسی، ارتباط و همبستگی دارد. همچنین نتایج تحقیق ضیائی (۲۰۲۰) نشان داد که دو برنامه توسعه اجتماعی و اقتصادی در افغانستان، با ایجاد شوراهای انتخابی جامعه محور و تقویت مشارکت زنان، توانستند به بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع روستایی افغانستان کمک کنند. بنابراین، هر دو مطالعه، بر مشارکت جامعه محور، تقویت حکمرانی محلی و توانمندسازی زنان تاکید دارند که این موارد ارتباط مستقیمی با تحقیق حاضر دارند.

توانمندسازی زنان از طریق قوانین و مقررات شامل دو زیرمؤلفه است: اصلاح قوانین و مقررات با هدف قدرت‌دهی به زنان برای حذف تبعیض جنسیتی، افزایش مشارکت سیاسی و بهبود دسترسی به منابع و فرصت‌های شغلی، و تدوین قوانین حمایتگر برای حقوق زنان، مرخصی زایمان، مراقبت از کودکان و سالمندان، منع خشونت علیه زنان، و تضمین امنیت و آزادی آنان. این تغییرات در قوانین و مقررات به توسعه سیاسی پایدار و توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان کمک می‌کند. تحقیق صدیقی و عامری (۱۳۹۵) نشان داد که در کشور ایران محقق نشدن مشارکت سیاسی کامل زنان، موانعی فراتر از قانون و سیاست‌گذاری‌ها دارد. این تحقیق برای درک بهتر موانع قانونی و چالش‌های موجود، شناسایی و تبیین عوامل موثر در زمینه مشارکت سیاسی زنان در تحقیق حاضر قابل استفاده است. بنابراین از این نظر با تحقیق حاضر همسو است.

توانمندسازی روانشناختی زنان شامل سه زیرمؤلفه اصلی است: رهاسازی زنان از وضعیت درماندگی آموخته شده برای فعالیت فعال‌تر در عرصه‌های سیاسی، رهاسازی زنان از دام خویش‌سختی‌ستیزی برای افزایش اعتماد به نفس و مشارکت فعال‌تر در فرآیندهای سیاسی، و توقف بازتولید ساختار مردسالارانه برای تغییر ساختارهای سیاسی به سمت تساوی جنسیتی. توانمندسازی روانی با افزایش عزت نفس، اعتماد به نفس و کارآمدی، تأثیر مثبتی بر مشارکت زنان در امور سیاسی داشته و به توسعه سیاسی پایدار کمک می‌کند. کرمانی (۲۰۱۶) اظهار می‌دارد که برای تقویت پیوندهای زنان با یکدیگر، نیاز به راهنمایی و ایجاد شبکه با سایر زنان داریم. زنان باید به صورت فعال اشتغال هم‌جنس خود را برای فرصت‌های شغلی تبلیغ کنند. یافته تحقیق حاضر در مقوله توانمندسازی روانشناختی زنان، تأکید بر رهاسازی زنان از خویش‌سختی‌ستیزی دارد. خلیلی (۱۴۰۱) مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی را جزو عوامل کمک‌کننده به توانمندسازی روانشناختی زنان می‌داند. نتایج تحقیق حاضر نیز روابط بین این متغیرها را تأیید می‌کند.

توانمندسازی از طریق تقویت عزت نفس اجتماعی زنان شامل دو زیرمؤلفه اصلی است: صدادهی رسانه‌ای به زنان برای ارائه تصویر مثبت و واقعی و ایجاد فضای گفتمانی برای حضور سیاسی، و کمک به خود شکوفایی زنان برای تقویت اعتماد به نفس و احساس توانمندی. این دو مؤلفه باعث توانمندسازی سیاسی زنان می‌شود و امکان مشارکت فعال‌تر و مؤثرتر در فرآیندهای سیاسی را فراهم می‌کند. آموزش جرأت‌ورزی و مطالبه‌گری از دوران کودکی به دختران نقش مهمی در افزایش عزت نفس اجتماعی زنان دارد و منجر به تقویت نمایندگی سیاسی زنان و پایداری توسعه سیاسی می‌شود.

توانمندسازی جسمی و روحی زنان شامل دو زیرمؤلفه اصلی است: توسعه و رفع موانع تربیت بدنی زنان برای مشارکت در ورزش و حمایت از زنان ورزشکار در عرصه‌های ملی و بین‌المللی، و افزایش زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی برای تأمین نیازهای بهداشتی و سلامتی زنان. این اقدامات توانمندسازی جسمی و روحی زنان نقش مهمی در توسعه سیاسی پایدار ایفا می‌کند، زیرا زنان قوی جسمی و روحی با اعتماد به نفس بالاتر در عرصه‌های سیاسی مشارکت فعال‌تری دارند. خلیلی

(۱۴۰۱)، تضمین سلامت جسمی و بهداشتی زنان، امنیت فیزیکی آنان و دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی را تحت عنوان توانمندسازی جسمی قرار داده است و آن را یکی از زیر مقوله های توانمندسازی زنان بر شمرده است.

توانمندسازی زنان از طریق اصلاحات اجتماعی شامل دو زیرمolfه اصلی است: جنسیت‌زدایی از فرایندهای جامعه‌پذیری با هدف حذف کلیشه‌های جنسیتی و ترویج فرهنگ برابری، و فراهم شدن بسترهای شکل‌گیری تشکلهای و نهادهای مدنی زنان برای تقویت اعتماد به نفس، مهارت‌ها و مشارکت سیاسی زنان. این اصلاحات اجتماعی تأثیر مثبتی بر توسعه سیاسی پایدار و توانمندسازی زنان دارد و نیازمند همکاری دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است. افزایش آگاهی از حقوق قانونی و اجتماعی زنان، تشکیل تشکلهای زنان، و تقویت هویت اجتماعی زنان به توانمندسازی و توسعه پایدار آنان کمک می‌کند.

توانمندسازی زنان از طریق اصلاحات کسب و کار شامل سه زیرمolfه اصلی است: شکستن تابوهای جنسیتی در اشتغال زنان برای حذف موانع و تبعیضات جنسیتی، ترویج فرصت‌های شغلی برابر و حمایت از کارآفرینی زنان؛ تغییر نگاه جنسیت‌محور به شایستگی با ارزیابی و استخدام بر اساس توانایی‌ها و شایستگی‌های فردی؛ و شکستن سقف شیشه‌ای برای زنان با ایجاد فرصت‌های برابر در مدیریت‌های ارشد و حذف موانع در مسیر ارتقای شغلی. این اصلاحات باعث افزایش اعتماد به نفس زنان، مشارکت آنان در عرصه‌های سیاسی و تصمیم‌گیری، و حضور برجسته‌تر آنان در توسعه سیاسی پایدار می‌شود. آریانا و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که با افزایش قابل توجه تحصیلات و اشتغال زنان در ایران، توانمندسازی آنان می‌تواند به رشد و توسعه اقتصادی کمک کند. آنها بیان کردند که زنان با سطح دانش و میزان اشتغالی که دارند، در موقعیتی هستند که توانمندسازی بیشتر آنان می‌تواند به رشد و توسعه اقتصادی کمک کند. در تحقیق حاضر، توانمندسازی در حوزه کسب و کار به عنوان یکی از الزامات توانمندسازی زنان برای دستیابی به توسعه سیاسی پایدار مورد نیاز است. وابستگی اقتصادی زنان، عدم استقلال مالی و نقش دوم و پایین‌تر در حوزه کسب و کار، منجر به کاهش عزت نفس اجتماعی آنان شده و به تبع آن، مشارکت ضعیف، ناپایدار و بی‌اثر آنها در عرصه سیاسی را تضعیف می‌کند.

توانمندسازی اقتصادی زنان شامل دو زیرمolfه اصلی است: حمایت‌های اقتصادی به‌منظور ارائه تسهیلات مالی و اعتباری و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه کسب و کارهای زنان به منظور افزایش استقلال مالی و توانایی کسب درآمد، و توان‌افزایی اقتصادی-مالی زنان کارآفرین که شامل ارتقای مهارت‌های مدیریتی و کارآفرینی، افزایش آگاهی از فرصت‌های اقتصادی، تقویت اعتماد به نفس و استقلال تصمیم‌گیری اقتصادی زنان است. این اقدامات توانمندسازی زنان را به توسعه سیاسی پایدار هدایت می‌کند و با حمایت از زنان کارآفرین، ارزش‌گذاری مشاغل خانگی و مراقبتی، و حمایت از زنان روستایی، منابع انسانی و فرهنگ جامعه را بهبود می‌بخشد. ساری و همکاران (۲۰۱۸) بیان

کردند که توانمندسازی اقتصادی منجر به افزایش اختیارات زنان، دسترسی به برنامه‌های رسمی دولت، فعالیت خارج از خانه، استقلال اقتصادی و قدرت خرید می‌شود.

توازن بین نقش‌های مادری و اجتماعی زنان از طریق توانمندسازی مادرمحور زنان و پیوند دادن نقش مادرانه به نقش‌های اجتماعی، باعث افزایش مشارکت، توانمندی و پایداری زنان در عرصه سیاسی می‌شود. این توانمندسازی زنان از طریق نقش‌های مادری و اجتماعی، به بهبود فرهنگ و اقتصاد جامعه کمک می‌کند. مادران با نقش مهمی که در خانواده و ساختارهای سیاسی و اجتماعی دارند، تأثیر بزرگی بر شکل‌دهی شخصیت فرزندان و توسعه جامعه دارند.

ابعاد ظهور جامعه متوازن و منسجم شامل بهبود آرامش روانی، تقویت انسجام اجتماعی زنان، افزایش سرمایه اجتماعی، و نقش‌آفرینی اجتماعی فراگیر زنان است. این مولفه‌ها به ایجاد جامعه‌ای متوازن و متعادل کمک کرده و توانمندسازی روانشناختی و اجتماعی زنان را تقویت کرده و نقش آنان در فرایند توسعه سیاسی پایدار را افزایش می‌دهد. تقویت سرمایه اجتماعی زنان، افزایش آگاهی و فرصت‌های کارآفرینی، و کاهش شکاف‌های جنسیتی از طریق همکاری‌های اجتماعی و دولتی، به ایجاد جامعه‌ای متعادل و پایدار کمک می‌کند. تحقیق ابطی (۱۳۹۴) نشان داد که توانمندسازی زنان در مشارکت سیاسی منجر به تقویت ساختار تصمیم‌گیری ملی، تقویت دموکراسی و حکمرانی می‌شود. حضور زنان در فرآیندهای سیاسی می‌تواند به تعادل قدرت، ثبات سیاسی و حکمرانی خوب کمک کند. این نتیجه با یافته تحقیق حاضر مبنی بر ظهور جامعه متوازن همسو است. در این پژوهش، سیزده متغیر اصلی برای توانمندسازی زنان مورد بررسی قرار گرفته است. این متغیرها شامل آموزش، آموزه‌های دینی، اصلاحات فرهنگی، اصلاحات سیاسی، قوانین و مقررات، و توانمندسازی روانشناختی می‌باشند. هر یک از این متغیرها با زیرمولفه‌های خود تأثیرات عمیقی بر افزایش نقش و مشارکت زنان در جامعه دارند. از طریق توانمندسازی از طریق آموزش، زنان در خانواده و جامعه نقش بیشتری دارند و مشارکت آنها در نهادهای آموزشی افزایش می‌یابد. همچنین، آموزه‌های دینی با ایجاد محیط‌های دینی و الهام‌بخشی از نقش‌های تاریخی زنان، آنها را به مشارکت در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی ترغیب می‌کند. اصلاحات فرهنگی و سیاسی، قوانین ضد تبعیض، و توانمندسازی روانشناختی نیز نقش‌های مهمی در توانمندسازی زنان دارند. این تحقیقات نشان می‌دهد که توانمندسازی زنان نقش مهمی در توسعه پایدار و افزایش ثبات و دموکراسی در جامعه دارد، بنابراین نیاز به رویکرد جامع و استراتژیک در توانمندسازی زنان از اهمیت بالایی برخوردار است.

References

- Azmodeh F, Haji Yousefi AM. (2018). The effect of women's political empowerment on good governance: (Lessons from Sweden for Iran). *Journal of Political Science*, 14(2), 33-62[in Persian].
- Aramesh H, Ras F, Keshavarz S. (2019). The effectiveness of social entrepreneurship in empowering rural women, the case of: marginal areas of Chabahar. *Space Economy and Rural Development*, 9 (34): 62-4[in Persian]1

- Azar A, Momeni M. (1387). Statistics and its application in management (volume 1). Tehran: Samit Publishing House. [in Persian]
- Ariana A., Dastiar Z., Tosli A. (2018). The role of women entrepreneurs in the development and transformation of the country, a case study of Hormozgan province. *Karafan Scientific Quarterly*, 16(46): 101-120. [in Persian]
- Abtahi p. n. (2014). Women's empowerment and political participation in Iran (case study: Islamic Republic period). *Politics Quarterly*, Volume 2, Number 7: 56-82[in Persian]
- Aimua EP. (2021). Education, Women Empowerment and National Development in Nigeria. *Asian Research Journal of Arts & Social Sciences*, 10 (34): 14-21
- Attride-Stirling J.(2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative research*, 1(3): 385-405.
- Bagheri M, Mirdamadi M, Hosseini SJ, Lashgarara F. (2019). Investigating the effective components of participation in the decision-making of employees of research, training and consulting centers of green space in Tehran in the development of sustainable urban green space. *Agricultural Extension and Education Research*, 13(3), 1[in Persian]-
- Baden S. Women's collective action in African agricultural markets: the limits of current development practice for rural women's empowerment. *Gender & Development*. (2018);21(2):295-311
- Chen Fang H, Ching Chen Yi. (2018). The Impact of Work Redesign and Psychological Empowerment on Organizational Commitment in a Changing Environment: An Example from Taiwan's State-Owned Enterprises. *Journal of Public Personnel Management*, Washington, 37(3): 279-302
- Golestani Sarvani M, Hamzaei M. (2016). Designing a pattern of empowering women in order to achieve sustainable development in an interpretive structural method. The first national conference of women, urban regeneration and sustainable development. [in Persian]
- Ghalabi F, Hajilo F. (2011). Sociological investigation of women's political participation and some social factors affecting it (a case study in East Azarbaijan province). *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, 1(1), 173-200. [in Persian]
- Heydari F. (2017). The role and participation of women in sustainable development. *Study Quarterly of Women's Rights Protection*, third year, number 11: 115-99. [in Persian]
- Jahangiri M, (2014). Political development and its obstacles in Iran and Middle East countries. International conference of humanities and psychology and educational sciences. Center for International Broadcasting Conferences[in Persian]
- Khosravi MA. (2011). How to empower women in the field of political decision-making in the national and international decision-making structure. *Journal of International Relations*, page 132-99[in Persian]
- Keshavarzi F, & Shamshiri B. (2019). The practical model of development of

- women's empowerment in Iranian society: a mixed research. Women in development and politics[in Persian]
- Kermani M, Noghani Dekht Bahmani M, Brothers Kashani Z. (2017). Qualitative meta-analysis of research articles in the field of empowering rural and urban women in Iran. *Social psychological studies of women*, 16(2), 33-54. [in Persian]
- Liaghati H, Yazdi M, Mobarghaee Dinan N.(2017). Analytical Investigation of Environmental Higher Education Status in Iran. *Environmental Education and Sustainable Development Journal*, 5(4): 63- 75.
- Muradzadeh Rami, A (2014). Pathology of women's empowerment in the field of macro political decision making. The first conference on the role of women in community health, Tehran. [in Persian]
- Narayana A, Ahmad T.(2016). Role of Media in Accelerating Women Empowerment. *Advanced Education and Research*, 1: 16-19.
- Nasiri S, Zakarian, M Taheri, AQ. (2018). The Islamic Republic of Iran's approach to empowering women in the fields of sustainable development under the influence of international organizations (UNESCO case study). *Approach to the Islamic Revolution*, 13(48): 86-71. [in Persian]
- Quisumbing A, Sproule K, Martínez EM, Malapit H. (2021). Women's Empowerment in Agriculture and Nutritional Outcomes: Evidence from Six Countries in Africa and Asia. *IFPRI Discussion Paper*, 14: 1-70.
- Sediqi Khoidak, MM, Khani B. (2014). Examining the role of education in the sustainable development of Iran. The 16th Iran Physics Education Conference Persian]
- Sediqi B, Ameri P. (2015). The role of women's political participation in the country's sustainable development process (with emphasis on the three reformist, fundamentalist and moderate governments). *Social Research*, 9(33): 85-108 . [in Persian]
- Sari SRMIP, Akbar M, Yassin M.(2018). Learning culture, empowerment, cyber skill competence and self-engagement. *International Journal of Scientific Research*, 6(3): 222-229.
- Zamani Moghadam M, Afshani SA R. (1400). Empowerment of female heads of household in Iran: a systematic review. *Social Welfare*, 21 (80): 45-80. . [in Persian]
- Ziaey AJ.(2020). Applying Community-Driven Approaches to Rural Development and Women's Empowerment in Afghanistan. *Political Science, Policy Perspectives*, 10(40): 2810-2819.

Presenting a model for the empowerment of women with a sustainable political development approach in Iran

Zahra Jalali¹, *Akbar Etebarian², Badri shahtaleb³, Reza Ebrahimzadeh⁴

Abstract

The aim of the study was to present a model of empowerment of women with a sustainable political development approach in Iran. Research Method: Research is combined from a paradigmatic perspective and includes qualitative and minor sections. Participants were among thematic and academic reporters in the disciplines of sociology, political science, management, and women's studies. In the qualitative phase, data was collected through semi-structured interviews with 19 respondents and analyzed by a method of analysis of the article, resulting in the extraction of 144 basic articles, 35 organizing articles, and 13 comprehensive articles. The Goba and Lincoln methods were used for the qualitative calculation of data and for the finishing measurement of encodes. In a small section, sampling of 200 people in the statistical community was carried out using the Cochran formula, and 122 questionnaires were returned out of 144 distributed questions. The end of the interrogation was confirmed with Alfie Cronbach. The study examined 13 key variables for women's empowerment, including empowering through reforms: cultural, social, political, business, education, economics, laws and regulations, female psychology, religious doctrines, the balance between maternal and social roles, the emergence of a balanced society, enhancing the social dignity of women, and the physical and spiritual empowerments of women. These approaches help increase the role and participation of women in society. The results show that empowering women contributes to sustainable development, increases stability and democracy, and requires an all-round and strategic approach through these approaches.

Keywords: empowerment of women, political development, sustainable development.